

THE JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical studies

Volume 14, Consecutive Number 31, Spring 2023

Issn:2717-090x

Journal Homepage: <https://rhetorical.semnan.ac.ir/?lang=en>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



Stylistics of layers of Farrokhi Yazdi's poems based on Dr. Fotouhi's stylistics

Alamdar Zinatpour¹/Amir Hosein Hemmati^{*2}/ Mazaher Nikkhah³

1: Ph.D. student of Persian language and literature of Azad Islamic University-Shahrkord

2: Associate Professor of Persian Language and Literature, Azad Islamic University-Shahrkord; Corresponding Author (hemmatiamir580@yahoo.com)

3: Assistant professor of Persian language and literature Azad Islamic University-Shahrkord

Layered stylistics is a method of contemporary stylistics that examines and analyzes works in a textual manner based on the layers that create them (lexical, phonetic, syntactic, rhetorical, and ideological). Using layered stylistics, one can achieve the characteristics of individual style, ideas and ideology that govern the text of the poet or writer. The main question of the research is how can the stylistic features of Farrokhi's poetry be studied and determined using layered stylistics? This research deals with the descriptive-analytical method and library method to study the stylistic features of Farrokhi's poetry collection with a layered stylistic approach. After analyzing the characteristics of Farrokhi's individual style in the lexical layer, the frequency of sensory words is glorious with structural codes. From the stylistic feature of the syntactic layer, we can point to the shift from the standard syntax, the emphasis on the verb and the institution, as its tools, which has led to the formation of a continuous and active syntactic style. By examining the syntactic layer in the sections of word quality, markup arrangement, style and structure of sentences, etc., each section has a special stylistic feature. The verb and the institution have the most movement in the sentence level and the frequency of compound and simple sentences has caused the combined style. Sentence structures have rhetorical continuity. In the aspect of verbs, they have a predictive and then an emotional aspect and a high frequency. In terms of constraints, time and state constraints have a high frequency. In the grammatical sound section, the text has an active sound due to the frequency of transitive and quasi-unknown verbs, and also the expressive sound is the last component of light sound in Farrokhi.

Keywords: Farrokhi Yazdi; Poetry Divan; Layered stylistics; Critical discourse ana

-Zinatpour, A., Hemmati, A., Nikkhah, M. (2023). Stylistics of layers of Farrokhi Yazdi's poems based on Dr. Fotouhi's stylistics, 13(30), 131-160.

[Doi: 10.22075/jlrs.2022.25741.2022](https://doi.org/10.22075/jlrs.2022.25741.2022)



مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۱۴ - شماره ۳۱ - بهار ۱۴۰۲

صفحات ۱۳۱ - ۱۶۰ (علمی - پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۰/۱۰/۰۹ - بازنگری ۱۴۰۱/۰۳/۰۳ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۳

سبک‌شناسی لایه‌ای اشعار فرخی یزدی با تکیه بر کتاب سبک‌شناسی

دکتر فتوحی

علمدار زینت پور ۱ / امیرحسین همتی* ۲ / مظاهر نیکخواه ۳

۱: دانشجوی دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی، واحد شهر کرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر کرد، ایران.

۲: دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد شهر کرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر کرد، ایران. (نویسنده مسئول)

hemmatiamir580@yahoo.com

۳: استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد شهر کرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر کرد، ایران.

چکیده: سبک‌شناسی لایه‌ای، شیوه‌ای از سبک‌شناسی معاصر است که آثار را به شیوه درون‌متنی و بر اساس لایه‌های به‌وجودآورنده (واژگانی، آوایی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک) بررسی و تحلیل می‌کند. با بهره‌گیری از سبک‌شناسی لایه‌ای می‌توان به ویژگی‌های سبک فردی، اندیشه‌ها و ایدئولوژی حاکم بر متن شاعر یا نویسنده دست یافت. سؤال اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان ویژگی‌های سبکی شعر فرخی یزدی (۱۲۶۸-۱۳۱۸ش) را با بهره‌گیری از سبک‌شناسی لایه‌ای بررسی و مشخص کرد؟ این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و روش کتابخانه‌ای، به بررسی ویژگی‌های سبکی دیوان اشعار فرخی با رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای می‌پردازد. از ویژگی‌های سبک فردی فرخی در لایه واژگانی می‌توان به بسامد واژگان حسی و شکوهمند با رمزگان ساختاری و از ویژگی‌های سبکی لایه نحوی، به جابه‌جایی از نحو معیار و تأکید بر فعل و نهاد به‌عنوان ادوات آن اشاره کرد که به شکل‌گیری سبک پیوسته و فعال نحوی منجر شده است. با بررسی لایه نحوی در بخش‌های کیفیت واژه‌گزینی، چیدمان نشان‌دار، سبک و ساختمان جملات و... هر بخش، ویژگی‌های سبکی ویژه‌ای دارد. فعل و نهاد، بیشترین جابه‌جایی را در سطح جملات داشته و بسامد جملات مرکب و ساده، سبب ایجاد سبک تلفیقی شده است. ساختمان جملات دارای پیوستگی بلاغی است. در بخش وجهیت افعال، وجه اخباری و سپس عاطفی و امری بسامد زیادی دارند. در وجهیت قید، قیدهای زمان و حالت، دارای بسامد بیشتر هستند. در بخش صدای دستوری، متن به‌واسطه بسامد افعال متعدی و شبه مجهول، دارای صدایی فعال بوده و همچنین صدای رسا، آخرین مؤلفه سبک فرخی است.

کلیدواژه: فرخی یزدی، دیوان اشعار، سبک‌شناسی لایه‌ای، تحلیل گفتمان انتقادی.

- زینت پور، علمدار؛ همتی، امیرحسین؛ نیکخواه، مظاهر (۱۴۰۲) سبک‌شناسی لایه‌ای اشعار فرخی یزدی با تکیه بر کتاب سبک‌شناسی دکتر فتوحی. مجله مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمنان، شماره ۳۱، صفحات ۱۳۱-۱۶۰.

Doi: [10.22075/jlrs.2022.25741.2022](https://doi.org/10.22075/jlrs.2022.25741.2022)

۱. مقدمه

فرّخی یزدی از گروه شاعران کلاسیک است که هرچند در کاربرد قالب‌های شعری، از شیوه سنتی پیروی می‌کند، از لحاظ مضامین و درون‌مایه اجتماعی و سیاسی و انعکاس مسائل روز، می‌توان او را جزء شاعران نوآور به شمار آورد. شهرت اصلی فرّخی در غزل سیاسی است؛ اما در قالب‌های دیگر همچون رباعی و مسمط، مهارت خود را به‌خوبی نشان می‌دهد. غزل سیاسی یا به تعبیر دیگر، غزل نیمه‌سیاسی فرّخی، با زبان امروز سروده شده است، هرچند خمیرمایه اصلی آن قدیمی است. شعر فرّخی به زبان مردم و توده‌هاست؛ چون او شاعر مردم است نه شاعر ستمگران و بیکاران و شبه‌روشن‌فکران و معماپسندان (رک: فرشیدورد، ۱۳۶۳: ۱۴۰). فرّخی شخصیتی عمیق و چندبُعدی دارد و زندگی، مبارزات، اندیشه‌ها و اشعار و آثار قلمی او را از جهات گوناگون می‌توان تحقیق و بررسی کرد.

اشعار فرّخی در زمره آثار انتقادی است و حاوی نکات، اطلاعات و انتقادات مربوط به جامعه ایران عصر رضاخان است. به‌منظور مطالعه سبک‌شناسانه و فهم بهتر این اشعار، از میان روش‌های سبک‌شناسانه که در دهه‌های اخیر به تنوع و کثرت آن افزوده شده، روش سبک‌شناسی انتقادی را برای تحلیل و بررسی این اثر انتخاب کردیم. سبک‌شناسی انتقادی، اصطلاحی است «برای اشاره به آن دسته از آثار سبک‌شناختی که روش‌هایی را بررسی می‌کنند که در آن‌ها مفاهیم اجتماعی از طریق زبان آشکار می‌شوند» (نورگارد، ۱۳۹۷: ۲۷). این گرایش از علم سبک‌شناسی، به‌دنبال ظهور تحلیل‌گفتمان انتقادی و به‌عنوان رویکردی تأثیرگذار در بررسی نقش ایدئولوژی در مطالعات زبان، ظهور و گسترش یافت (Jeffries, 2014: 408).

یک اثر ادبی، در سبک‌شناسی لایه‌ای، در پنج لایه ایدئولوژیک، آوایی، بلاغی، نحوی و واژگانی بررسی می‌شود. «از مزایای این روش آن است که بهره‌گیری از روش‌های متنوع را در هر لایه امکان‌پذیر می‌کند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۸). همچنین

«مشخصه‌های برجسته سبک و نقش و ارزش آن‌ها را در هر لایه به صورت مجزاً مشخص می‌کند، کشف و تفسیر پیوند مشخصه‌های صوری متن با محتوای آن را آسان می‌سازد و از آشفتگی، تحلیل و تداخل داده‌ها و دیدگاه‌ها جلوگیری می‌کند و در نهایت، امکان کاربرد نگرگاه‌ها و روش‌های مناسب را فراهم می‌آورد» (همان: ۲۲۷).

هدف از مطالعات سبک‌شناسی، کشف و تبیین ویژگی‌های حاکم بر متون و بررسی شاخصه‌هاست که «از رهگذر تحلیل عناصر سبک‌ساز، از جمله ساختارهای زبانی و لغوی اثر، اندیشه و عواطف گوینده و کارکرد صنایع ادبی و بلاغی، به تبیین سبک فردی نویسنده می‌پردازد» (مقیاسی و فراهانی، ۱۳۹۳: ۴۱)؛ در نتیجه، «بهترین روش برای مطالعه سبک، با هدف کشف رابطه قدرت و ایدئولوژی، روش لایه‌ای است» (درپر، ۱۳۹۳: ۱۱۶).

در سبک‌شناسی لایه‌ای، لایه واژگانی از مبانی کاربردی تحلیل و نقد ویژگی‌های سبکی یک اثر به شمار می‌آید و «بهترین موارد شناخته‌شده در مطالعاتی که درباره ایدئولوژی و زبان صورت می‌گیرد، تحلیل واژگان است» (ون دایک^۱، ۱۳۸۶: ۹۳)؛ زیرا تحلیل آثار ادبی از این مجرا، راهی است برای تفسیر عقاید و باورهای ارزشی که با بررسی ابعاد مختلف سطوح ادبیات و گفتار، محقق می‌شود.

این پژوهش به بررسی اشعار فرّخی یزدی، در لایه‌های واژگانی و نحوی می‌پردازد و بسامدهای معنادار هر لایه را تحلیل می‌کند.

۱-۱. بیان مسئله

فرّخی یزدی از شاعران بزرگ عصر مشروطه و دوران بیداری است. وی در یزد و از خانواده‌ای فقیر برخاست و تحصیلات مقدماتی را در مدرسه مرسلین انگلیسی یزد به پایان رساند. استعداد شاعری فرّخی در همان دوران نوجوانی، پشت نیمکت‌های مدرسه شکوفا شد. پانزده ساله بود که به دلیل سرودن اشعار آزادی‌خواهانه، از مدرسه اخراج شد

و چندی به کارگری پرداخت. در دوران پیدایش مشروطیت، به آزادی خواهان پیوست و فعالیت‌های سیاسی خود را آغاز کرد (رک: آرین پور، ۱۳۸۷: ۵۳).

با گسترش مشروطه خواهی، روشن فکران تجدّدخواه بر رابطه میان عقب ماندگی سیاسی و اجتماعی ایران از یک سو و ادبیات کهن از سوی دیگر تأکید می کردند. پس از وقوع انقلاب مشروطه، نخستین کوشش‌ها برای عدول از هنجارهای شعر کلاسیک صورت گرفت و اشعاری منتشر شد که تابع قواعد کهن وزن یا جایگاه قافیه نبود. لاهوتی، رفعت، خامنه‌ای و فرّخی یزدی، شاعرانی بودند که چنین آثاری خلق کردند. این شاعران از منظر تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، بسیار اهمیت دارند. «فرّخی یزدی همراه با سرودن شعر، به روزنامه‌نگاری نیز پرداخت و با مقالات تند و آتشین در کنار اشعار سیاسی - انتقادی‌اش، حکام و عاملان ظالمی چون وثوق‌الدوله و ضیغم‌الدوله را آماج سرزنش و نقدهای تند و بی‌پروا قرار می داد» (حکیمیان، ۱۳۵۷: ۳۱۷).

نگارندگان در این تحقیق، جامعه آماری دیوان فرّخی یزدی را در دو لایه وازگانی و نحوی، با رویکردی آماری - تحلیلی، تحلیل سبک‌شناسی کرده‌اند. تقسیم‌بندی مباحث پژوهش، بر اساس عناوین کتاب سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها اثر محمود فتوحی انجام شده است.

۲-۱. پیشینه تحقیق

درباره سبک‌شناسی شعر فرّخی، پژوهش‌هایی به صورت کتاب، مقاله و پایان‌نامه و رساله‌های دکتری صورت گرفته است؛ ولی در خصوص سبک‌شناسی انتقادی شعر فرّخی، پژوهشی از این منظر انجام نشده است. در ادامه، به معرفی پژوهش‌هایی که تا حدّی با موضوع این مقاله ارتباط دارند، پرداخته می شود.

ملک ثابت (۱۳۸۳) در مقاله «اندیشه‌های دینی در اشعار فرّخی یزدی»، به بنیان‌های دینی در اشعار فرّخی اشاره داشته و مسائلی چون خداشناسی، معادشناسی، توجه به پیامبران و اولیای الهی، معارف قرآن و اخلاق دینی را در اشعار وی بررسی کرده است. صادق‌زاده (۱۳۸۵) در مقاله «بررسی سبک نثر مقالات فرّخی یزدی» به این موضوع

اشاره دارد که فرّخی، خودش بسیاری از سرمقالات و بعضی از مقالات را می‌نوشته و از نظر سبک انتقادی و گرایش‌های سیاسی و پیام‌رسانی در نثر مشروطیت، حائز اهمیت است. پورآلاشتی و عباسی (۱۳۸۹) در مقاله «تحلیل زبانی اشعار فرّخی یزدی بر اساس نظریه زیباشناسی انتقادی»، ابتدا مفاهیم اصلی در زیبایی‌شناسی انتقادی، چون انتقاد در هنر یا اثر ادبی، منش ایدئولوژیکی، قوه سیاسی-هنر، هنر انقلابی و خودمختاری در هنر را بررسی کرده‌اند. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که شاعر در حوزه زبان، از رهگذر ترکیبات خاص، زبان حماسی، ایجاد تحوّل معنایی در تعبیرات رایج در غزل، کاربرد لغات فرنگی و اصطلاحات عامیانه، نگرش انتقادی خاصّ خویش را اراده کرده است. رحمدل (۱۳۸۹) در مقاله «تاریخ سیاسی معاصر و تأثیر آن در تحوّل ادبی عصر فرّخی یزدی»، ضمن بررسی زمینه‌های ایجاد نهضت مشروطیت و تاریخ سیاسی معاصر، به میزان تأثیر جریان‌های سیاسی بر شعر فرّخی پرداخته است. سلطانی (۱۳۹۱) در مقاله «بن‌مایه‌های دینی در دیوان فرّخی یزدی»، بیان می‌کند که فرّخی از جمله نویسندگان و شعرای نادر دوره مشروطه است که متفاوت با جریان حاکم دین‌ستیزی و تجدّدگرایی اغلب شاعران و روشن‌فکران، دارای بنیان فکری مذهبی و ایدئولوژیک است و با دیده احترام به مذهب می‌نگرد. او مضامین و بن‌مایه‌های مذهبی و دینی فراوانی را در شعر خود به کار گرفته و از این مضامین در آگاهی‌بخشی و بیدار کردن جامعه و ظلم‌ستیزی و عدالت‌پروری بهره برده است. نصیری سلوش و حسن‌زاده میرعلی (۱۳۹۵) در مقاله «سبک شعر فرّخی یزدی»، اشعار فرّخی را به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین شاعران دوره مشروطه، در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بررسی و تحلیل کرده‌اند. آن‌ها عقاید سیاسی و اجتماعی و دینی او را بر پایه گزارش‌هایی از اشعارش دریافته و رابطه اوضاع سیاسی و اجتماعی دوره مشروطه را با تحولات ادبی، زبانی و فکری شاعر مشخص کرده‌اند. رادفر (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود با عنوان «ذهن و زبان فرّخی»، به این نتیجه رسیده است که صدای رسای فرّخی هنوز از لابه‌لای اشعار و سخنانش، چه در روزنامه طوفان و چه در مجلس به‌عنوان نماینده، به‌خوبی احساس می‌شود. او چون خود از طبقه محروم جامعه

بوده، دردها و رنج‌های مردم را لمس می‌کرده و لحظه‌ای نتوانسته است سکوت کند. موسوی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه‌اش با عنوان «تحلیل اندیشه و سبک شعری فرّخی یزدی»، سبک شعری و ویژگی‌های ادبی، فکری و زبانی غزلیات فرّخی را بررسی و تحلیل کرده است. با توجه به نتایج تحقیق، می‌توان بسامد بالای تشبیه در شعر فرّخی را به‌عنوان یک ویژگی سبکی بارز وی به‌شمار آورد. از نظر مختصات زبانی، فرّخی در شعر خود کوشیده است مطابق فهم و درک عوام سخن بگوید و بنویسد؛ به همین دلیل، زبان شعر او بسیار ساده و عامیانه است. استفاده از واژگان کهن فارسی، توجه به ایران باستان و تلمیحات اساطیری و مفاخره در اشعار وی را می‌توان از دیگر ویژگی‌های سبک شعری فرّخی یزدی به‌شمار آورد.

با بررسی پیشینه تحقیق مشخص شد که این اثر هنوز به‌طور جامع و کامل، تحلیل سبک‌شناسی نشده و ضرورت انجام پژوهشی مستقل در موضوع سبک‌شناسی شعر انتقادی فرّخی احساس می‌شود.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. لایه واژگانی

در شرح و تبیین «واژه»، فدایی و شکی می‌گوید: «واژه‌ها اولین و مهم‌ترین ابزار عینی کردن و بروز عواطف و اندیشه‌های شاعرانه است. واژه‌ها واحدهای موسیقایی و معناساز زبان را پدید می‌آورند و اجزای سازنده‌های گوناگونی هستند که در کارگاه خیال شاعر و نویسنده شکل می‌گیرد؛ به همین دلیل، هرچه دامنه اندیشه گسترده‌تر باشد، واژه‌های متنوع‌تر با بار معنایی بیشتری مورد نیاز است. هرچه گنجینه واژگانی اثری وسیع‌تر و دارای تنوع بیشتری باشد، تصویرهای ساخته‌شده از خیال آن‌ها جنبه هنری و زیبایی بیشتری پیدا می‌کند» (فدایی و شکی، ۱۴۰۱: ۲۱۸). لایه واژگانی، یکی از لایه‌های بنیادین در شکل‌گیری یک اثر ادبی به‌شمار می‌آید؛ زیرا واژگان نقش مهمی در شاکله سبک فردی ایفا می‌کنند؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت تنوع سبک، بستگی به واژگان در کلام شاعر یا نویسنده دارد. «بسیاری سبک را هنر واژه‌نویسی می‌دانند و در

کار شناخت سبک‌ها بیش از هر چیز، چشم بر واژگان دوخته‌اند. این نگرگاه چندان بی‌پایه نیست؛ زیرا واژه، هم شناسنامه‌دارتر از دیگر سازه‌های زبان است و هم چونان انسان، زنده و پویاست» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۴۹).

در مطالعه لایه واژگانی، مؤلفه‌هایی از قبیل اشاره‌گر (شاخص‌های اشخاص، مکان، زمان)، واژگان حسّی و انتزاعی، عامیانگی و شکوهمندی، عموم و خصوص، کهن‌گرایی و واژه‌سازی، رمزگان، نشان‌دار و بی‌نشان و دیگر مؤلفه‌های ترادف، تضاد و تکرار بررسی می‌شوند. بررسی بسامدهای به‌دست آمده، ارتباط مؤلف را با متن و مخاطب مشخص می‌کند.

۲-۱-۱. اشاره‌گر

عنصر زبانی اشاره‌گر، مقید به بافت موقعیتی است؛ یعنی به مکان، زمان یا شخصیتی اشاره دارد که از طریق بازشناسی موقعیت اجرای سخن شناخته می‌شود. «ا اشاره‌گر اجتماعی، عنوان، صفت و لقبی است که به اقتضای موقعیت اجتماعی افراد انتخاب می‌شود» (صفوی، ۱۳۸۳: ۲۶۲). از طریق نام مکان‌ها، زمان‌ها، عنوان و لقب اشخاص هم می‌توان تأثیرات ایدئولوژیک متن را شناسایی کرد. با بررسی اشعار فرّخی، شاخص اشخاص، بسامد بیشتری در مقایسه با شاخص زمانی و مکانی دارد. شاخص‌های اشخاص به کاررفته، گویای مخاطبان شاعر است و شاخص مکانی، بیشتر به دربند، صحرا، کوه، گلستان، جهان، ایران، گیتی و کشتی اشاره دارد که بیانگر حالات روحی و روانی شاعر است. همچنین دیگر شاخص‌های مکانی، از جمله مجلس، عدلیه و ایران، حاکی از دیدگاه سیاسی حاکم بر اشعار فرّخی است. شاعر نام خود را به‌عنوان شاخص، وارد متن کرده است که بیشترین بسامد آماری را داراست. اگر شاخص اشخاص، دسته‌بندی شود، می‌توان گفت مربوط به دایره ژانر سیاسی (مجلس، عدلیه، ایران، روس، کاخ، ایوان، جامعه) و گروه دوم مربوط به ژانر مذهبی و اخلاقی است، از جمله زاهدانه، بیت‌المال، زاهد، بخت، اقبال، شیخ. شاخص مردم، بیانگر دیدگاه کلی‌نگری فرّخی است.

۲-۱-۲. رمزگان

رمزگان از اصطلاحات کلیدی نشانه‌شناسی است. هر رمزگان، نظامی از دانش است که امکان تفسیر، تولید و دریافت متون را فراهم می‌کند و بیشتر بافت‌بنیاد و فرهنگ‌بنیاد است. «زبان، بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین رمزگان است؛ زیرا همهٔ رمزگان‌های دیگر، از جمله رمزگان‌های آداب، اطوار، اشارات، پوشاک، غذا، نظام‌های حرکتی و غیره، به‌واسطهٔ زبان، قابل توصیف است» (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

مفهوم رمز در نشانه‌شناسی، بسیار بنیادی است؛ زیرا «معنای نشانه به رمزی که در آن قرار گرفته بستگی دارد. رمزگان، نشانه‌ها را به نظام‌های معنادار تبدیل می‌سازد و بدین ترتیب، باعث ایجاد رابطه میان دال و مدلول می‌شود» (چیدلر^۱، ۱۹۹۷: ۲۲۱).

رمزگان شاخص‌های زبانی و نشان‌داری واژگان، از عناصری هستند که متن را با بافت‌ها و زیرمتن‌های اجتماعی و فرهنگی پیوند می‌دهند. «رابطهٔ معنادار واژگان با ایدئولوژی و قدرت را می‌توان با بررسی بسامد رمزگان‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دیگر ساختارهای اجتماعی نشان داد» (همان: ۲۶۰). در آثار بررسی‌شده، بسامد رمزگان ساختاری، بیش از رمزگان فرایندی است. واژگان ساختاری، حضوری آشکارتر و ملموس‌تر دارند، به واقعیت و قطعیت نزدیک‌ترند و با دیدگاه و باور شاعر تناسب دارند. رمزگان ساختاری اشعار فرّخی، با توجه به ایدئولوژی متن و محتوا، به‌ترتیب بسامد عبارت‌اند از:

الف. سیاسی - اجتماعی

این رمزگان به‌گونه‌ای است که مخاطب را با توجه به قالب غزل، به ژانر اشعار سیاسی و اجتماعی و زیرژانرهای آن‌ها سوق می‌دهد که در تحلیل گفتمان نقد و تحلیل یاری می‌رساند. شاعر با توجه به بافت شعر، به رمزگان سیاسی اهمیت زیادی داده و هدف آن، تشویق مخاطبان به مبارزه و قیام است؛ چنان‌که شاعر، نام آزادی را روح‌بخش جهان دانسته است. فرّخی در غزلیاتش با رمزگان سیاسی، اجتماعی و مذهبی، رمزگان فرایندی

1. Daniel Chandler

را به وجود آورده است؛ به گونه‌ای که رمزگان فرایندی، کارکردی برای بیان کردن ژانر سیاسی و اجتماعی دارد. یکی از رمزگان‌های سیاسی در شعر فرّخی، واژه آزادی است. در شعر فرّخی، واژه آزادی در ساخت هجده ترکیب به کار رفته است.

قسم به عزّت و قدر و مقام آزادی که روح‌بخش جهان است نام آزادی
(فرّخی: ۱۸۱)

ز آزادی جهان آباد و چرخ کشور دارا پس از مشروطه با افزار استبداد می‌گردد
(همان: ۱۵۷)

پیوستن به صف آزادی‌خواهان و ورود در حزب دموکرات یزد و سپس عزیمت به تهران و همکاری با حزب دموکرات تهران، به فرّخی بینشی سیاسی بخشیده بود. اوج واردشدن در چرخه سیاسی حکومت، زمانی است که به‌عنوان نماینده اقلیت از حزب دموکرات یزد به مجلس راه یافته بود؛ چنان‌که می‌گوید: «شاعر سخن‌شناسم سایس وطن پرستم». انتشار روزنامه طوفان و ارائه مقالات و اشعار آتشین در برابر حاکمان و دولتمردان وابسته و مستبد، غوطه‌وری فرّخی را در گرداب مخاطره‌آمیز سیاست نشان می‌دهد:

گر خطرها داشت دریای سیاست فرخی حالا ما با توکل، دل بر این دریا زدیم
(همان: ۱۰۴)

شاعر معتقد است علم سیاست^۱ انصاف نمی‌شناسد، راستی و صداقت ندارد و پیوسته متغیّر است. در زندان و وثوق‌الدوله، وی را مخاطب قرار داده و به دلیل از دست رفتن استقلال وطن، شکوه سر می‌دهد:

گر بگویی کس ندارد قصد ایران، گویمت در سیاست راستی، انصاف در پولتیک نیست
(همان: ۲۳)

نمونه‌های دیگر عبارت‌اند از: سرمایه، دارایی، عدالت، مجلس، تمدن، قانون، ملت، بشر، وطن، استبداد، ظلم، ستم، انقلاب، کارگر و دهقان.

ب. حماسی

عناصر حماسی در اشعار فرّخی، تنها به عنوان زیور شاعرانه (تلمیح) به خدمت گرفته نمی‌شود، بلکه هدف دیگر آن، برجسته‌سازی از رهگذر کهن‌گرایی است. زبان او زبان یک دردمند واقعی است که رنج و مشقت را لمس کرده و با هدف تحوّل و دگرگونی در اوضاع حاکم و با تمسّک به این عناصر برای تحریک مردم، با عمق وجود به انتقاد از شرایط موجود می‌پردازد. شخصیت‌های حماسی، به شکل هدفمند در دیوان او حضور دارند؛ زیرا می‌خواهد شکوه و عظمت گذشته ایران را به مخاطب گوشزد کند؛ چرا که در عصر او کشور ایران از آن جامعه آرمانی فاصله گرفته است. واژگان حماسی به صورت مختلف، ۱۳۵ بار در اشعارش به کار رفته و یکی از ویژگی‌های زبانی اوست.

که تهمتنی است ای سلاله سیروس
(فرّخی: ۱۵۱)

سال کنون که ملت روس است با مجاعه دوچار

سزد اگر دل سیروس را کباب کند
(همان: ۱۰۵)

ز فقر، آه جگرگوشگان کیکاووس

علمدار علم چون کاوه حداد می‌گردد
(همان: ۱۲۰)

بیداد فزون آهنگری گمنام و زحمتکش

ج. اخلاقی، مذهبی، عرفانی

آزادگی و پابندی به آن، یکی از برجسته‌ترین اصول اخلاقی در نظر فرّخی است و زندگی او همواره با این افتخار، قرین بوده است.

دارایی دارا و سکندر هیچ است

با طبع بلند، قصر قیصر هیچ است

صد قافله گنج‌خانه زر هیچ است

با خانه به‌دوشی به بر همت ما

(همان: ۲۱۵)

کز برای سیم، بنمایم کسی را پای‌بوس

خود تو می‌دانی نی‌ام از شاعران چاپلوس

(همان: ۱۸۹)

مفهوم اخلاقی دیگری که در اشعار فرّخی به چشم می‌آید، کمک به نیازمندان است:

بر اسب پیلتن ای شه اگر سوار شدی تفقّدی به گدای پیاده باید کرد
(همان: ۳۳)

مفاهیم عرفانی و مذهبی نیز در اشعار فرّخی دیده می‌شود. هرچند بسامد زیادی ندارد، حاکی از توجه او به قدرت القایی و انگیزشی عناصر مذهبی است.

به دور جام چو جمشید جم جلال مرا به کوی باده‌فروشان قدم گذار و ببین
(همان: ۱۴۸)

با فقر و فنا خو کن، زین عالم دون بگذر بنگر چه شد اسکندر با آن همه دارایی
(همان: ۱۵۳)

سربه‌سر غافل و پامال شد ایمان از کفر گویا در تن ما عرق مسلمانی نیست
(همان: ۱۱۰)

در شرع ما که خدمت خلق از فرایض است انصاف طاعتی است که کم از نماز نیست
(همان: ۱۱۱)

جدول ۱- رمزگان فرایندی

رمزگان فرایندی با کارکرد حماسی	رمزگان فرایندی با کارکرد دینی، اخلاقی، مذهبی و عرفانی	رمزگان فرایندی با کارکرد سیاسی-اجتماعی
سالله سیروس، کاوه حداد، بیستاد فزون آهنگری، قارن، گرشاسپ، شاپور ساسان، رستم، گودرز، گویو، طوس و...	چشمه آب خضر، طبع بلند، همت، کوی باده‌فروشان، فقر و فنا، اسلام پرست، حمزه نام آور، خدا، خداوند و...	نام آزادی، احترام آزادی، بیچارگی عموم، غم ملت، خرمن ابنای بشر، دشمن وطن، صبح استبداد، ظلم مکرر، بیداد ضحاک و ظالم مظلوم‌کش، خدای انقلاب،

	دسترنج کارگر، بیرق سرخ مساوات، مجلس اشرافی و...
--	--

از آنجا که رمزگان، عنصری است که می‌توان به وسیله آن از ورای متن به زیرمتن‌ها و بافت‌ها دست یافت، با تأمل در اشعار فرخی، از اوضاع حاکم بر زمانی که شاعر می‌زیسته، درمی‌یابیم که جامعه، فضایی سیاسی داشته است که جست‌وجو در تاریخ آن دوران، از همین نتیجه حکایت می‌کند.

۲-۱-۳. نشان‌داری واژگان

نشان‌داری، مفهومی زبان‌شناختی است و بیشتر ناظر به معنای ضمنی واژگان در کنار معنای صریح آن‌هاست. واژگان در کنار معناهای صریحی که دارند، عموماً حاوی مفاهیمی ضمنی نیز هستند که جایگاه فرهنگی-اجتماعی آن‌ها را تعیین می‌کند؛ بنابراین، «زبان‌شناسان، واژگان را برحسب اینکه آیا نسبت به معنای صریح خود، جهت‌گیری خاصی دارند یا خیر، به دو گروه واژگان نشان‌دار و بی‌نشان تقسیم کرده‌اند» (عبّاسی، ۱۳۹۳: ۶۰). گونه‌های نشان‌داری عبارت‌اند از: صوری، توزیعی، معنایی، موقعیتی و التزامی. همهٔ واژگان به‌طور یکسان، حامل ذهنیت و نگرش نویسنده نیستند. برخی خنثی هستند؛ یعنی از معانی ضمنی و مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی خالی‌اند و برخی دیگر، حامل معانی ضمنی و ارزش‌گذارانه هستند. بر این اساس، «زبان‌شناسان، واژگان را به دو دسته بی‌نشان و نشان‌دار تقسیم کرده‌اند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۶۲). شایان ذکر است «واژگان بی‌نشان به آن دسته از امکانات زبان (آواها، واژگان، نحو) گفته می‌شود که ساده، عادی، خنثی و همگانی‌اند و آن را بخش پیش‌الگو یا ارزش‌های پایهٔ زبان هم می‌نامند و این واژگان طبیعی‌ترین، ساده‌ترین و در عین حال، بنیادی‌ترین واژگان زبان هستند که هسته‌ای هم‌نامیده می‌شوند» (همان: ۲۶۳). با بررسی صورت‌گرفته در اشعار فرخی، مشخص شد که شاعر از واژگان بی‌نشان بهره برده است و حضور واژگان نشان‌دار، چندان محسوس نیست؛ در نتیجه، فردیت شاعر در اشعار

منعکس نشده است. شاعر در انتخاب واژگان شعرش، معتدل عمل می‌کند و نگاهش خنثی و بی‌طرفانه است.

تا حیات من به دست نان دهقان است و بس جان من سر تا به پا قربان دهقان است و بس
 رازق روزی ده شاه و گدا بعد از خدای دست خون‌آلود بذرافشان دهقان است و بس
 (فرّخی: ۱۵۲)

۲-۱-۴. واژگان مترادف و متضاد و تکرار

فتوحی بررسی واژگان مترادف، متضاد و تکراری را به‌عنوان یک مؤلفه سبکی معرفی کرده است؛ اما «برخی این مؤلفه‌ها را به‌منظور بررسی نحوه ارتباط نویسنده با مخاطب معرفی می‌کنند» (درپر، ۱۳۹۳: ۱۲۴). با بررسی اشعار فرّخی، واژگان تکراری، بسامد بیشتری در مقایسه با واژگان مترادف و متضاد دارند. بسامد زیاد واژگان تکراری، بیانگر تأکید در بیان مفاهیم ذهنی و باورهای شاعر است و جهت‌گیری نویسنده را نشان می‌دهد. بیشترین بسامد واژگان تکرار شده را می‌توان در دایره رمزگان‌ها و شاخص‌ها جست‌وجو کرد.

جدول ۳- نظریه در واژه‌ها

رمزگان			نشان‌داری			اشاره‌گر			دیگر مؤلفه‌ها		
ساختاری	فرآیندی	نشان‌داری	نم‌نشان	زمان	مکان	اشخاص	تضاد	تکرار	ترادف		
۶درصد	۱۴درصد	۱درصد	۹۹درصد	۱۰درصد	۲۸درصد	۵۲درصد	۱۴درصد	۶۸درصد	۱۸درصد		

۲-۱-۵. عامیانگی و شکوه‌مندی

هریک از دو بافت رسمی و عامیانه، واژگان خاص خود را دارند. «تعبیر عامیانه، واژگان و تعبیرهایی است که در میان گروه‌های پایین جامعه رایج می‌شوند. این بخش

از زبان در موقعیت‌های رسمی، پذیرفتنی نیست؛ زیرا نامأنوس، ناهموار، تند و گاه دور از ادب و گستاخانه است. در سویهٔ مقابل، واژگانی فاخر قرار دارند که دارای شکوه و اعتبار اجتماعی بالایی هستند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۵۳). واژگانی که فرخی در اشعارش استفاده کرده، دارای بافت رسمی هستند که بیانگر موقعیت و پایگاه اجتماعی شاعر در جامعه است. تسلط واژگان رسمی بر متن، بر اثر بسامد زیاد وجه اخباری و سخن گفتن قاطعانه است.

با هزاران رنج بردن گنج عالم هیچ نیست دولت آن باشد ز در، بی انتظار آید تو را
دولت هر مملکت در اختیار ملت است آخرای ملت به کف کی اختیار آید تو را؟
(فرخی: ۷۹)

۲-۱-۶. عموم و خصوص

در این مبحث، به بررسی واژگانی شعر، از منظر عام یا خاص و نیز اسم نوع یا اسم جنس بودن پرداخته می‌شود. «اسم خاص آن است که تنها بر یک فرد معین از افراد نوع دلالت کند و اسم خاص، کمتر از اسم عام، وابسته می‌گیرد و جمع می‌شود» (فرشیدورد، ۱۳۸۴: ۱۸۴). با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، در اشعار فرخی، بسامد واژگان عام بیشتر است؛ در نتیجه، سبک شاعر، ذهنی و دایرهٔ معنایی و محور جذب مخاطب و درجهٔ تصویری و نمایشی بودن متن آن نیز به مراتب محدود است.

دوش یارم زد چو بر زلف پریشان شانه را مویه‌مو بگذشت زیر بار دل‌ها شانه را
نیست عاقل را خبر از عالم دیوانگی گر ز نادانی ملامت می‌کند دیوانه را
(فرخی: ۷۹)

۲-۱-۷. کهن‌گرایی و واژه‌سازی

هنجارگریزی واژگانی، یکی از شیوه‌هایی است که شاعر از طریق آن، زبان خود را برجسته می‌کند؛ «بدین ترتیب که برحسب قیاس و گریز از قواعد ساخت واژهٔ زبان هنجار، واژه‌ای جدید می‌آورد یا می‌آفریند» (صفوی، ۱۳۹۱: ۵۳)؛ بنابراین، هم کاربرد واژگان کهن و قدیمی و هم ساختن واژگان تازه، هر دو منجر به خروج از هنجار عادی

سبک‌شناسی لایه‌ای اشعار فرّخی یزدی با تکیه بر کتاب سبک‌شناسی دکتر فتوحی — ۱۴۵

زبان و نهایتاً تمایز سبکی می‌شود. «واحد‌های زبان (تکواژها، واژگان، عبارات و ساخت‌های نحوی) بر پیشانی خود، مُهر زمان دارند؛ این یعنی هویت تاریخی و تاریخ‌مندی زبان» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۵۴).

فرّخی یزدی تحت‌تأثیر جریان‌های سیاسی و اجتماعی و برای ایجاد زبانی حماسی در اشعار خویش، به احیای واژگان قدیمی و کاربرد آن پرداخته و بسیاری از واژه‌ها، افعال و حروف اضافه را در زبان شعر خویش به کار گرفته است. ساخت کهن‌گرا در شعر فرّخی به‌لحاظ آشنایی او با متون گذشته و تأثیری که از سازوکارهای شعر گذشته پذیرفته، بسیار متنوع و گسترده است؛ به‌طوری که کاربرد فراوان واژه‌های باستانی، یکی از مشخصه‌های سبکی فرّخی است. وی با کاربرد بجا و شایسته واژه‌ها و بافت‌ها و ساخت‌های کهن، با توانایی بی‌نظیر خود، در حُسن‌گزینش و ترکیب و هماهنگی بین زبان و محتوا، زبانی اصیل و فخیم و باصلاّت آفریده است.

رهروان عشق هریک خسرو عهد خودند بی‌سران راه حق را حاجت دیهیم نیست
(فرّخی: ۲۵)

تا مگر از زردروی رخ بتابیم ای رفیقان چهره ما را ز خون سرخ دشمن غازه باید
(همان: ۲۷)

نوک کلک فرّخی در آمه خون شد شناور تا که طوفانی نماید این محیط بی‌کران را
(همان: ۸۶)

۲-۱-۸. واژگان حسّی و ذهنی

در تعریف واژگان حسّی و ذهنی آمده است: «واژگانی که بر عقاید، کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی دلالت دارند، انتزاعی‌اند و واژگانی که بر اشیای واقعی و محسوس دلالت دارند، عینی و حسّی‌اند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۵۱). بررسی واژگان حسّی و ذهنی، به شناسایی سبک حسّی یا ذهنی آثار می‌انجامد. با بررسی اشعار فرّخی، بسامد واژگان حسّی، بیش از انتزاعی ارزیابی می‌شود؛ بنابراین، سبک واژگانی شاعر، سبکی محسوس،

نمایشی و شفاف و روشن است و تصاویر، مدلول واضح تری را در ذهن مخاطب می‌سازند؛ از این رو، مخاطب با ابهام کمتری در شعر فرخی روبه‌روست.

گل‌رنگ شد در و دشت از اشک باری ما چون غیر خون نبارد ابر بهاری ما
با صد هزار دیده، چشم چمن ندیده در گلستان گیتی، مرغی به خواری ما
(فرخی، ۱۳۸۵: ۷۸)

با توجه به شواهد بالا آشکار می‌شود که فرخی بر انتقال صریح مفاهیم و اندیشه‌های خود به ذهن مخاطب اهتمام دارد.

جدول ۴- واژه‌گزینی در لایه واژگانی

واژه‌گزینی						
حسی	ذهنی	عام	خاص	عامیانه	فاخر	کهن‌گرایی
۵۷ درصد	۴۳ درصد	۶۱ درصد	۳۹ درصد	۹ درصد	۹۱ درصد	۵۳ درصد
۴۷ درصد						

۲-۲. لایه نحوی

در لایه نحوی، با بررسی اشعار از رهگذر دستور زبان فارسی، می‌توان به اندیشه شاعر دست یافت. «در این لایه، نظم واژه‌ها و جابه‌جایی در ساختار نحوی جمله‌ها، ساده، مرکب و پیچیده بودن آن‌ها، استقلال و تناوب جمله‌ها و نیز بررسی مقولّه و جهت، از جمله مواردی است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در این میان، بررسی مؤلفه جهت، در فعل جملات و بندها در تعیین میزان قطعیت متن و نیز مطالعه رابطه قدرت میان گوینده و مخاطب، اهمیت ویژه‌ای دارد» (سالک، ۱۴۰۰: ۲۰۷).

فتوحی در معرفی الگویی برای مطالعه سبک‌شناسی یک اثر در لایه نحوی، به این نکته اشاره می‌کند که سبک‌شناسی در لایه نحوی، به موضوع چیدمان واژگان و نظم دستوری کلمه می‌پردازد. «نحو منظم، مولود ذهن نظام‌مند است. ساخت اندیشه، با نحو، پایه پیوند آشکارتری دارد تا با واژه. کیفیت چیدمان کلمه‌ها در جمله، طول جمله‌ها، نوع جمله‌ها، کیفیات وجه و زمان، همگی بیانگر نوع اندیشه‌اند؛ بنابراین، کیفیات روحی و ذهنیات پنهان گوینده در عناصر نحوی، بیشتر خودنمایی می‌کند. باید از رهگذر همین

عناصر نحوی نشان‌دار، ردّ پای سبک و اندیشه و دل‌سپردگی گوینده به موضوعات را دنبال کرد» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۶۷). منظور از بررسی نحوی، بررسی قواعد حاکم بر شیوه ترکیب واژگان و شکل گرفتن جمله‌ها در یک زبان است. در این کاربرد، نحو در برابر صرف (تکوژشناسی یا دانش ساخت واژه) قرار دارد.

در لایه نحوی، مؤلفه‌هایی از قبیل پیوند جمله‌ها، پیوستار بلاغی جمله‌ها، چیدمان طبیعی جمله، چیدمان نشان‌دار، زمان، طول جمله‌ها، صدای دستوری، کیفیت واژه‌گزینی در جمله و وجهیت، با شرح و جزئیات بیشتر بررسی شده است. مؤلفه‌های فوق را می‌توان به دو دسته که میزان قطعیت متن و ویژگی ساختمان و سبکی جمله را مشخص می‌کنند، تقسیم کرد؛ اما در این مقاله، هر مؤلفه، مجزاً بررسی می‌شود.

۲-۱. پیوند جمله

از دیرباز، دو ساخت نحوی ساده و مرکب رایج در گفتار، ملاک تمایز دو نوع سبک مقطع و سبک ترکیبی بوده است. رابطه دستوری میان جمله‌های هر متن، چهار نوع سبک نحوی گسسته، هم‌پایه، وابسته، متصل و تودرتو را متمایز می‌کند. «پیوستار دستوری، حاصل همکاری عناصر زبانی، مانند حرف ربط، شرط، پیوندها و وابسته‌سازهاست. نهایتاً این دو عامل معنایی و صوری هستند که یک متن را منسجم می‌سازند» (همان: ۲۸۰).

در این بخش، جملات از منظر ساده، هم‌پایه و مرکب بررسی شده‌اند. جملات مرکب و سپس هم‌پایه دارای بسامد زیادی هستند که سبک فرّخی را وابسته ساخته‌اند؛ یعنی جملات در آن، حامل اندیشه‌های وابسته به هم هستند.

در چنگکِ تار زلفت، تا نیمه‌شب دل من
چون نی نوا نمودی، چون دف خروش کردی
(فرّخی: ۱۷۹)

دل می‌تپد به سینه تنگم ز سوز عشق
چون مرغ بی‌پری که به کنج قفس بماند
(همان: ۱۳۹)

جدول ۵- پیوند جملات

پیوند جمله		
هم پایه	ساده	مرکب
۲۹ درصد	۱۹ درصد	۵۲ درصد

۲-۲-۲. پیوستار بلاغی جمله‌ها

در اصطلاح زبان‌شناختی، پیوستار بلاغی عبارت است از پیوند و جاذبه مولکولی میان جمله‌های یک پاراگراف. این مسئله در مباحث تحلیل گفتمان و آموزش سبک و نگارش، با این پرسش مطرح می‌شود: «واحدهای اندیشه (جمله‌ها) تداوم دارند یا گسسته‌اند؟» (فروزنده، ۱۳۹۳: ۱۰۷)، جملات موجود در ابیات فرخی دارای پیوستگی ارزیابی می‌شوند که این مقوله نشان می‌دهد شاعر در بیان جملات، رعایت‌کننده تداوم منطقی اندیشه و توالی آن‌ها بوده است. نکته مهم آن است که علاوه بر پیوستار دستوری، دارای پیوستار معنایی نیز هست. پیوستار یا انسجام معنایی، از سازگاری منطقی زمان و زبان، ارتباط گزاره‌ها و معانی ضمنی با دانش عمومی ما و سازگاری آن‌ها با مشخصه‌های نحوی کلام حاصل می‌شود.

۲-۲-۳. چیدمان طبیعی در جمله

زبان معیار در سبک‌شناسی، مبنای کشف و شناسایی هنجارگریزی‌های سبکی است؛ بنابراین، در بررسی نحو هر متن، باید میزان خروج از معیارهای آن متن بر اساس نحو پایه یا هنجار سنجیده شود. نحو پایه، عبارت است از نظم سازنده زبان. «اگر نحو پایه را عبارت از نظم عادی ساخت‌های جمله‌ها در یک زبان تعبیر کنیم، در این صورت، قواعد نحوی پایه در یک زبان، بر اساس پرکاربردترین ساخت‌های نحوی آن تدوین می‌شود و شامل ساختارهای معمولی و متعادل جمله‌های زبان است که بیشترین جمله‌های یک زبان با آن تولید می‌شود» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۷۰). هنجارگریزی و جابه‌جایی از نحو معیار در اشعار فرخی، با فاصله آماری کمی بسامد دارد؛ چنان‌که میزان جابه‌جایی و عدم جابه‌جایی، یکسان است. زبان فرخی در اشعارش، ساده و گاه دور از پیچیدگی در

جای‌گردانی نحوی است. جابه‌جایی ارکان در اشعارش، بسامد زیادی ندارد و پابندی او را به نحو پایه، آشکار می‌سازد.

با توجه به مبحث جای‌گردانی نحوی، ارکان جمله و اشعار فرّخی بررسی شده است تا میزان جابه‌جایی و میزان حذف هریک مشخص شود و از این طریق بتوان به سبک فردی شاعر دست یافت. بیشترین جابه‌جایی را فعل و سپس نهاد در اشعار فرّخی داشته‌اند؛ بنابراین، انجام عمل، رخداد و ادوات مربوط به عمل صورت گرفته و سپس نهاد و چگونگی رخداد عمل برای شاعر اهمیت دارد. در بخش حذف ارکان جمله، فعل، بیشترین و نهاد، کمترین حذف را داراست.

۲-۲-۴. چیدمان نشان‌دار

نحو‌شناسان امروزی در برابر نظم پایه یا نحو معیار، نظم نشان‌دار را مطرح می‌کنند. «اگر در یک متن، نظم عادی نحو، به‌خاطر تأکید بر بخشی از کلام تغییر کند و ساختاری غیرمتداول و نامعمول و متفاوت با نظم پایه داشته باشد، نشان و تشخیص خاصی خواهد یافت» (همان: ۲۴۷). بر این اساس، هنجارگریزی نحوی جملات بررسی شد تا از این طریق، میزان تأکید و اهمیت ذهنی شاعر بر ارکان جمله مشخص شود. بررسی صورت گرفته به این شیوه است که کدام‌یک از ارکان جمله در آغاز قرار گرفته‌اند. بسامد هنجارگریزی فعل ۲۸ درصد است که ناشی از تفکر و دیدگاه خاص شاعر در خصوص افعال و رخداد و ادوات و عناصر وابسته به آن است. جابه‌جایی نهاد ۲۱ درصد است. تقدیم فعل بر ارکان جمله در شعر فرّخی، بیشترین بسامد را در میان انواع هنجارگریزی نحوی دارد.

کن نظام شهر را موقوف بهر امتحان تا بدانی این حقایق درخور تشکیک نیست

(فرّخی: ۲۴)

می‌کند تهدید ما را این بنای ارتجاع منهدم این کاخ را از صدر تا دروازه باید

(همان: ۲۷)

تقدیم فعل بر نهاد:

حال ما یک چند دیگر گر بدین سان بگذرد بدتر از ماضی شود ایام استقبال ما
(همان: ۲۱)

تقدیم فعل بر مسند:

گر کشته شدن باشد پاداش گنهکاری ای بس تن بدکاران کز دار نگون باید
(همان: ۴۸)

تقدیم فعل بر مفعول:

در بیت زیر، مفعول در پایان جمله و بعد از فعل آمده است.
به هنگام سیه‌روزی علم کن قد مردی را ز خون سرخ‌فام خود بشوی این رنگ‌زردی را
(همان: ۱۱)

جدول ۶- آمار کلی ارکان جمله

نهاد	فعل		مفعول	مسند	قید	متمم
	محدوف	بسامد				
۵۴ درصد	۴۶ درصد	۶۱ درصد	۸ درصد	۴۱ درصد	۳ درصد	۲۱ درصد
چیدمان نشان‌دار (جابه‌جایی در آغاز جمله قرار گرفتن)						
۲۱ درصد	۲۸ درصد		۱۲ درصد	۹ درصد	۱۱ درصد	۱۹ درصد

۲-۵. زمان

عامل زمان در جمله، نشان‌دهنده میزان فاصله گوینده یا نویسنده با موضوع است. تغییر فاصله گوینده با واقعیت، زاویه دید و ذهنیت وی را تغییر می‌دهد؛ از این رو، «عامل زمان، متغیر مهمی در میزان واقع‌گرایی متن و شیوه نگاه مؤلف به امور به شمار می‌رود» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۹۱). افعال ماضی ساده بیشترین بسامد را دارند که بیانگر زیاد شدن فاصله گوینده با واقعیت و اصل حادثه است و اطمینان گوینده درباره خبر، کاهش می‌یابد؛ اما «کاربرد فعل ماضی ساده برای بیان عملی است که در گذشته انجام گرفته، بدون توجه به دوری و نزدیکی زمان» (وحیدیان کامیار، ۱۳۹۴: ۴۱). بسامد آماری مضارع ساده با اختلاف زیاد، چشمگیر است. بسامد افعال مضارع، بیانگر کم شدن فاصله

شاعر از اشعارش است و اینکه موضوعات بیان‌شده با افعال مضارع، موضوعات همیشگی شاعر هستند. به‌طور کلی، بسامد استفاده از زمان گذشته و حال، بیش از زمان آینده است.

علم شد در جهان فرهاد در جانبازی شیرین نه هر کس کوه کن شد در جهان فرهاد می‌گردد
(فرّخی: ۱۲۰)

استخوان بشکسته‌ایم اما به ایمان درست خاک استغنا به فرق مومیایی کرده‌ایم
(همان: ۱۶۰)

خود تو می‌دانی نی‌ام از شاعران چاپلوس کز برای سیم بنمایم کسی را پای‌بوس
(همان: ۱۸۹)

جدول ۲- زمان افعال

مضارع اخباری	مضارع التزامی	مضارع ساده	آینده	امری	ماضی ساده
۱۳ درصد	۳ درصد	۲۰ درصد	۱ درصد	۷ درصد	۴۴ درصد
ماضی نقلی	نقلی مستمر	نقلی بعید	ماضی التزامی	ماضی استمراری	
۲ درصد	۱ درصد	۱ درصد	۳ درصد	۵ درصد	

۲-۲-۶. طول جملات

جمله، بلندترین واحد سازمانی در نحو است و اگر هر ساخت نحوی، شکلی از یک واحد اندیشه باشد، می‌توان از رهگذر بررسی بلندی و کوتاهی جمله‌ها، ساخت اندیشه و سبک و حالات روحی گوینده را تحلیل کرد؛ زیرا «طول جملات، نسبتی با میزان درنگ و تأمل گوینده در یک واحد فکری دارد» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۷۵). جملات به‌کاررفته در اشعار فرّخی، هفت، هشت و پنج کلمه‌ای هستند که نشان‌دهنده تعادل معنا و لفظ در سبک شاعر است. شاعر تمایلی به ساخت جملات طولانی ندارد و این نکته را آشکار می‌سازد که شاعر در بیان معنا، لفظی مساوی و متناسب با آن در نظر گرفته است که این مطلب، مرتبط با مقوله «مساوات» در علم معانی است.

تا فرّخی از سرّ غم عشق خبر شد رجحان دهد از هر خبری بی خبری را
(فرّخی: ۸۹)

جدول ۸- بسامد طول جملات

طول جملات					
یک کلمه	دو کلمه	سه کلمه	چهار کلمه	پنج کلمه	شش کلمه
۵درصد	۷درصد	۹درصد	۱۰درصد	۱۲درصد	۱۰درصد
هفت کلمه	هشت کلمه	نه کلمه	ده کلمه	یازده کلمه	دوازده کلمه
۱۰درصد	۱۱درصد	۸درصد	۶درصد	۴درصد	۳درصد
سیزده کلمه	چهارده کلمه	پانزده کلمه	شانزده کلمه	هفده کلمه	
۱درصد	۱درصد	۱درصد	۱درصد	۱درصد	

۲-۲-۷. صدای دستوری و سبک

بخشی از رابطه سبک و اندیشه، در صدای دستوری بازتاب می‌یابد. منظور از صدای دستوری، رابطه میان رخداد یا حالت فعل با دیگر شرکت‌کنندگان در فرایند فعلی (فاعل، مفعول و...) است. صدای دستوری در کنار دیگر وجوه فعل، مانند زمان، نمود، وجهیت و حالت شناخته می‌شود. صداهای دستوری عبارت‌اند از: صدای فعال، منفعل، انعکاسی، میانی، سببی و دوجانبه.

با استفاده از افعال لازم، متعدی، اسنادی و شبه مجهول، صدای سبکی اشعار فرّخی بررسی شده است. از آنجا که بسامد افعال متعدی و شبه مجهول، صدای فعال و بسامد افعال لازم و اسنادی، صدای منفعل دارند، با توجه به بسامد افعال متعدی (۵۱درصد و شبه مجهول ۳درصد)، اشعار فرّخی، صدایی فعال دارند. صدای فعال و مؤثر، بیان‌کننده انجام یک عمل توسط عنصر اصلی جمله (نهاد) است. «وقتی نهاد جمله کنشگر یا عامل

فعل باشد، جمله، صدای فَعَال و مؤثّر دارد. این صدا از آن‌رو فَعَال نامیده می‌شود که عمل از جانب کنشگر که پویاترین یا فَعَال‌ترین بخش جمله است، جاری می‌شود و در کلام بسط پیدا می‌کند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۹۵).

آن زلف مشک‌بو را تازیب دوش کردی سرو بنفشه‌مو را عنبرفروش کردی
(فرّخی: ۱۷۹)

کن روان از خون دل جو در کنار خویشتن تا مگر آن سرو دلجو در کنار آید تو را
(همان: ۸۰)

از دیگر صداهای دستوری، می‌توان انعکاسی، سببی، میانه و دوجانبه را نام برد. صدای انعکاسی آن است که در نحو، فاعل و مفعول یا کنشگر و کنش‌پذیر، یک مرجع دارند. صدای میانی در همهٔ زبان‌ها نیست. این صدا در جمله‌ای حضور دارد که فعل لازم در آن ظاهری فَعَال دارد. صدای دوجانبه در جمله‌ای شنیده می‌شود که فاعل و مفعول، فعلی را به‌طور متقابل اجرا می‌کنند. «در صدای سببی، نهاد جمله سبب وقوع فعل است نه کنشگر و فاعل واقعی» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۱۱). با بررسی صورت‌گرفته، اشعار فرّخی، صدایی انعکاسی دارند که فَعَال است. «صدای انعکاسی، زمانی است که فاعل و مفعول یا مبتدا و خبر در جمله یک مرجع دارند و بازتاب فعل به خود فاعل برمی‌گردد» (همان: ۳۰۰).

فرّخی کاین ادبیات سروده است خشن عذرخواه است صمیمانه ز ابناء وطن
(فرّخی: ۲۰۵)

منصور که در عدلیه قادر شده است دیر آمده زود از مصادر شده است
هشتادویک ابلاغ خلاف قانون از جانب آن جسور صادر شده است
(همان: ۱۷۹)

صدای دستوری ممکن است ایستا یا پویا باشد. «صدای ایستا آن است که یک عمل برای فاعل در یک محدودهٔ زمان معین انجام شده و خاتمه یافته است و صدای پویا یا دینامیک آن است که تداوم رخ‌دادن یک فرایند را بیان می‌کند» (همان: ۳۰۱). این

موضوع در کتاب‌های دستور زبان، با عنوان افعال تداومی و لحظه‌ای بیان شده است. با تعریفی ساده‌تر، «افعال لحظه‌ای به افعالی گفته می‌شود که عملشان در یک لحظه رخ می‌دهد و در ادامه، جریان پیدا نمی‌کند. افعال تداومی، افعالی را می‌گویند که عملشان در یک لحظه اتفاق می‌افتد؛ اما ادامه پیدا می‌کند» (وحیدیان کامیار، ۱۳۹۴: ۳۹). با بررسی صورت گرفته، اشعار فرّخی، صدایی ایستا دارند.

گنج عزّت کنج عزلت بود آن را دل چو یافت دیگرش از بی‌نیازی حاجت گنجینه نیست (فرّخی: ۱۱۲)

تار فیهان چون به یک‌رنگی دورنگی می‌کنند از چه تفسیر دورنگی را زرنگی می‌کنند (همان)

جدول ۹- صدای دستوری

بررسی افعال			
لازم	متعدّی	اسنادی	شبه مجهول
۱۶ درصد	۵۱ درصد	۳۰ درصد	۳ درصد
صدای دستوری			
انعکاسی	میانی	دوجانبه	سببی
۸۴ درصد	۶ درصد	-	۶ درصد
صدای دستوری			
ایستا	پویا		
۴۶ درصد	۵۴ درصد		

۲-۲-۸. وجهیت

وجهیت عبارت است از میزان قطعیت گوینده در بیان یک گزاره که به‌طور ضمنی، به‌وسیله عناصر دستوری نشان داده می‌شود و بیان‌کننده منظور یا قصد کلی گوینده یا درجه پایبندی او به واقعیت یک گزاره یا باورپذیری، اجبار و اشتیاق به آن است. وجه، مقوله‌ای نحوی-معنایی است که نظر و دیدگاه گوینده را در جمله در خصوص موضوع

سخنی که بیان می‌کند، نشان می‌دهد. وجه در ساختمان بند از آن جهت اهمیت دارد که حاکی از جهت‌گیری‌های خاص نویسنده است به آنچه می‌گوید (رک: فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۸۵).

۲-۸-۱. وجهیت در فعل

وجهیت در فعل جمله و قید نمود دارد. کتاب‌های دستور زبان فارسی وجهیت در فعل را در سه وجه اخباری، امری و التزامی معرفی کرده‌اند؛ اما در این پژوهش، وجوه ذکر شده توسط فتوحی، مبنای کار قرار گرفته است. در اشعار فرّخی، وجه اخباری و سپس وجه‌های عاطفی و امری با فاصله آماری بسیار، نمود دارند. بسامد زیاد وجه اخباری، بیانگر وقوع قطعی یک رخداد و ارتباط نزدیک شاعر با رخدادهاست؛ بنابراین، بسامد زیاد وجه اخباری، شاعر را در ارتباطی نزدیک با مفاهیم شعری‌اش نشان می‌دهد و مخاطب را متوجه دغدغه‌های درونی او می‌کند. وجه عاطفی در بردارنده شور و هیجان و احساسات نسبتاً زیاد شاعر است. بسامد وجه امری نیز بیانگر حاکمیت و قطعیت شاعر در انجام کارهاست. میزان اندک وجه تمنّایی، بیانگر فقدان امید، آرزو و دعا در شاعر است و فرّخی به گونه‌ای محافظه‌کارانه برخورد کرده است.

وجه اخباری:

انقلاب ما چه شد از دست ناپاکان شهید نیست غیر از خون پاکان خون‌بهای انقلاب

(فرّخی: ۹۲)

نیستی در پیش یاران پیشوای انقلاب

(همان)

تا تو را در راه آزادی تن صد چاک نیست

وجه عاطفی:

با وجود این همه غم، شاد و خرسندیم ما

با وجود آنکه کشتی را خداوندیم ما

(همان: ۸۰)

خوار و زار و بی کس و بی خانمان و دربه‌در

کشتی ما را خدایا ناخدا از هم شکست

وجه امری:

فتوحی تعریف وجه امری را در ذیل وجه التزامی آورده و وجه امری را نشان دهنده جهت گیری و حالت گوینده به اجرای یک عمل از نوع درخواست، توصیه، اجبار و فرمان بیان کرده است (رک: فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۸۵).

کن روان از خون دل جو در کنار خویشتن تا مگر آن سرو دلجو در کنار آید تو را
فرخی بسیار جان وز انتظار آسوده شو گر به بالینت نیامد در مزار آید تو را
(فرخی: ۸۰)

۲-۲-۸-۲. وجهیت در قید

با بررسی قید و وجهیت آن می توان به دیدگاه نویسنده پی برد. قیدها حامل دیدگاه گوینده درباره موضوع اند و شدت و ضعف تلقی، باور و دل بستگی وی را به عقاید و ایدئولوژی ها نشان می دهند. «از طریق بررسی قیدها همچنین میزان واقع گرایی و منطقی بودن یا آرمان گرایی و احساساتی بودن سبک گوینده را می توان بازشناسی کرد» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۸۹). شعر فرخی زمانمند و مبتنی بر قید حالت است. قیدهای حالت عموماً بیانگر حالات مستی و بی خودی و ناراحتی بوده و قیدهای زمان بیشتر بر شب، صبحدم و سحر دلالت دارند. بسامد قید زمان بیانگر منطقی بودن شاعر است که به زمان انجام کارها دقت می کند. بسامد قید حالت، بیانگر شخصیت احساساتی شاعر است. وجود دو بُعد شخصیتی منطقی و احساساتی در کنار یکدیگر، شخصیتی جالب را نشان می دهند که شاعر سعی بر غلبه منطقی بر احساسات دارد.

مرگ هم در شب هجران به من ارزانی نیست بی تو گر زنده بمانم ز گران جانی نیست
(فرخی: ۱۷)

خرم آن روزی که در میخانه با می خوارگان تا به شب از نشئه می، های وهویی داشتیم
(همان: ۱۶۳)

از خلال مبحث وجهیت می توان ساختار نحوی با محتوای وجهیت را این گونه بیان کرد: وجهیت، کیفیت و چگونگی بیان امور و موضوع از جانب گوینده است. جهت گیری گوینده در کلام، نوع رابطه او را با شنونده مشخص می کند و می توان از

آن با عنوان «نقش بینافردی سخن» یاد کرد. بررسی وجهیت، کار بازنشانی نقش‌ها و معانی ساخت‌های زبانی را آسان می‌کند؛ به گونه‌ای که از جنبه‌های روان‌شناختی زبان و سبک مؤلف، می‌توان اطلاعات دقیق‌تری به دست آورد. از طریق بررسی وجهیت، میزان پایبندی متن به عقاید و ایدئولوژی‌ها مشخص می‌شود.

جدول ۱۰- وجهیت

وجهیت در فعل							
تمنّایی	التزامی	شرطی	امری	تردیدی	پرسشی	تأکیدی	عاطفی
۱درصد	۲درصد	۳درصد	۱۴درصد	۱درصد	۷درصد	۱۲درصد	۱۳درصد
۴۷درصد							

وجهیت در قید							
مختص	تونین‌دار	کیفیت	حالت	زمان	مکان	کمیت	تکرار
۱۴درصد	۲درصد	۲درصد	۲۲درصد	۳۶درصد	۵درصد	۵درصد	۴درصد
۱۰درصد							

۳. نتیجه‌گیری

فرّخی در بخش واژه‌گزینی، از واژگان حسّی بهره برده است. واژگان حسّی سبب شکل‌گیری سبک محسوس و نمایشی شده است. بسامد واژگان عام، بیانگر گسترش دایرهٔ تخاطبی اشعار است. یکی از ویژگی‌های برجستهٔ سبکی اشعار فرّخی، بسامد واژگان شکوهمند و کهن‌گرایی و واژه‌سازی است. استفاده از واژگان کهن یا نوواژه‌ها باعث تمایز سبکی می‌شود. ساخت کهن‌گرا در شعر فرّخی به‌لحاظ آشنایی او با متون گذشته و تأثیری که از سازوکارهای شعر گذشته پذیرفته، بسیار متنوع و گسترده است. در بخش تأثیر ایدئولوژیک واژه، بسامد رمزگان ساختاری، سبب نزدیکی واژگان شعر به قطعیت و واقعیت شده و شاعر تحت سیطرهٔ نظام زندگی اجتماعی است. شاخص اشخاص، بیشترین بسامد را در مقایسه با شاخص‌های مکانی و زمانی دارد. فرّخی در وهلهٔ اول، خود را و سپس اشخاص دایرهٔ ژانرهای سیاسی و مذهبی را وارد متن کرده که بیانگر دایرهٔ مخاطبان شاعر است. در مبحث نشان‌داری و بی‌نشانی واژگان، واژگان بی‌نشان که ساده، خنثی و عادی هستند، بسامد دارند. این واژگان به واقعیت نزدیک

هستند که ویژگی متون علمی است نه ادبی. متون ادبی باید حامل واژگان نشان‌دار باشند و دیدگاه و ذهنیت نویسنده، نمود پیدا کند. از دیگر نکات بررسی‌شده، مؤلفه‌های تکرار، تضاد و مترادف است. بسامد زیاد تکرار، نشانگر تأکید شاعر بر مفاهیم ذهنی خود است.

با بررسی لایه نحوی در بخش‌های کیفیت واژه‌گزینی، چیدمان نشان‌دار، سبک و ساختمان جملات و... هر بخش، ویژگی سبکی خاصی دارد. در بخش واژه‌گزینی، چیدمان طبیعی جملات از نحو معیار جابه‌جایی دارد. فعل و نهاد بیشترین جابه‌جایی را در سطح جملات داشته‌اند و این امر، مشخصه چیدمان نشان‌دار است. از آنجا که جابه‌جایی ارکان جمله، انگیزه فردی دارد، رخداد عمل و فعل و ادوات آن برای شاعر مهم است. طول جملات هفت و هشت کلمه‌ای، بیانگر تناسب کلام با محتواست. بسامد جملات مرکب و ساده، سبب سبک تلفیقی شده است. ساختمان جملات دارای پیوستگی بلاغی هستند. در بخش وجهیت افعال، وجه اخباری و سپس عاطفی و امری، بسامد زیادی دارند. این مسئله، بیانگر سخن‌گفتن شاعر از جایگاه بالا و دانایی اوست. در وجهیت قید، قیده‌های زمان و حالت دارای بسامدی زیاد هستند؛ بنابراین، زمان و چگونگی رخداد عمل برای شاعر اهمیت دارد. زمان افعال ماضی، نشانگر تمرکز فکری شاعر در گذشته است. در بخش صدای دستوری، متن به واسطه بسامد افعال متعدی و شبه مجهول، دارای صدایی فعال است. این صدای فعال بر صدای انعکاسی سبک نیز تأثیرگذار بوده است. همچنین صدای رسا آخرین مؤلفه صدای سبک در فرخی است.

منابع

- آراین پور، یحیی (۱۳۸۷)، *از نیما تا روزگار ما*، ج ۳، چ ۵، تهران: زوآر.
- چیدلر، دانیل (۱۳۸۷)، *مبانی نشانه‌شناسی*، ترجمه مهدی پارسا، چاپ ۳، تهران: سوره مهر.
- حسن پورآلاشتی، حسین و رضا عباسی (۱۳۸۹)، *تحلیل زبانی اشعار فرخی یزدی بر اساس نظریه زیباشناسی انتقادی*، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۷، صص ۱۱۴-۱۴۵.
- حکیمیان، ابوالفتح (۱۳۵۷)، *فهرست مشاهیر ایران*، تهران: دانشگاه تهران.

سبک‌شناسی لایه‌ای اشعار فرّخی یزدی با تکیه بر کتاب سبک‌شناسی دکتر فتوحی — ۱۵۹

- درپر، مریم (۱۳۹۳)، سبک‌شناسی لایه‌ای: توصیف و تبیین بافتمند سبک نامه شماره یک غزالی، ادب پژوهی، شماره ۲۷، صص ۱۱۵-۱۳۶.
- رادفر، معصومه (۱۳۸۹)، ذهن و زبان فرّخی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور.
- رحم‌دل، غلامرضا (۱۳۸۹)، تاریخ سیاسی معاصر و تاثیر آن در تحول ادبی عصر فرّخی یزدی، کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۹، صص ۳۸-۵۴.
- سالک، امیرحسین و محمد امیر جلالی (۱۴۰۰)، سبک‌شناسی انتقادی نامه شاه تهماسب صفوی به سلطان سلیمان عثمانی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، شماره ۲۶، صص ۱۹۷-۲۳۲.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۷)، نشانه‌شناسی کاربردی، تهران: قصه.
- سلطانی، منظر (۱۳۹۱)، بن‌مایه‌های دینی در دیوان فرّخی یزدی، مجله سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، شماره ۱۷، صص ۱۳-۱۹.
- صادق‌زاده، محمود (۱۳۸۵)، بررسی سبک نثر مقالات فرّخی یزدی، کاوش‌نامه یزد، شماره ۱۳، صص ۴۹-۷۰.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۳)، درآمدی بر معنی‌شناسی، چ ۲، تهران: سوره مهر.
- _____ (۱۳۹۱)، از زبان‌شناسی به ادبیات، چ ۳، تهران: سوره مهر.
- عباسی، پریا (۱۳۹۳)، نقد و بررسی سبک‌شناسانه اشعار میمنت میرصادقی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱)، سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن.
- _____ (۱۳۸۸)، سبک‌شناسی ادبی سرشت سخن ادبی، برجستگی و شخصی‌سازی زبان، فصلنامه زبان و ادب پارسی، شماره ۴۱، صص ۲۴-۴۱.
- فدایی وشکی، زهره و ماه نظری (۱۴۰۱)، کاربرد تصویرهای زبانی (واژگانی - نحوی) در طومار شیخ شرزین، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، شماره ۲۷، صص ۲۱۱-۲۳۸.
- فرّخی یزدی، میرزا محمد (۱۳۸۵)، دیوان اشعار، تصحیح حسین مکی، چ ۸، تهران: امیرکبیر.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۶۳)، درباره ادبیات و نقد ادبی، دو جلد، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۸۴)، دستور مفصل امروز؛ بر پایه زبان‌شناسی جدید، چ ۲، تهران: سخن.
- فروزنده، مسعود و امین بنی‌طالبی (۱۳۹۳)، ابزارهای آفریننده انسجام متنی و پیوستار بلاغی در ویس و رامین، شعرپژوهی، شماره ۲، صص ۱۰۷-۱۳۴.

- مقیاسی، حسن و سمیرا فراهانی (۱۳۹۳)، **سبک‌شناسی خطبه ۲۷ نهج البلاغه**، پژوهش‌نامه نهج البلاغه، شماره ۷، صص ۴۱-۶۲.
- ملک ثابت، مهدی (۱۳۸۳)، **اندیشه‌های دینی در اشعار فرّخی یزدی**، پژوهش‌نامه ادب غنایی، شماره ۲، صص ۱۴۹-۱۶۴.
- موسوی، مهرانگیز (۱۳۹۰)، **تحلیل اندیشه و سبک شعری فرّخی یزدی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید رجایی.
- نصیری سلوش، سیده زهره و عبدالله حسن‌زاده میرعلی (۱۳۹۵)، **سبک شعر فرّخی یزدی**، مجله تاریخ ادبیات، شماره ۳، صص ۱۵۹-۱۸۱.
- نورگارد، نینا (۱۳۹۷)، **فرهنگ سبک‌شناسی**، ترجمه احمد رضایی جمکرانی و مسعود فرهمندفر، تهران: مروارید.
- وحیدیان، کامیار (۱۳۹۴)، **دستور زبان**، تهران: سمت.
- ون دایک، تئون ای. (۱۳۸۶)، **نظرات و ایدئولوژی‌ها در مطبوعات**، ترجمه زهرا حدّاد و کوثر شهنی، رسانه، سال ۱۸، شماره ۴، صص ۸۵-۱۱۸.
- Jeffries, L. (2010), **Critical Stylistics: The Power of English**, Houndmills, Basingstoke: Palgrave Macmillan